



به نظر شما آیا تعیین این نسبت با دولت سیزدهم می‌تواند تاثیری بر فضای تصمیم‌گیری جامعه داشته باشد؟ چه تاثیری؟

صادق نوروزی: نقد همیشه مفید و لازم است.

اگر مردم فکر کنند که هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد و کسی می‌آید که همین شرایط ادامه پیدا می‌کند، طبیعتاً مشارکت کاهش می‌یابد. به همین دلیل است که موضع‌گیری‌های آقای پزشکیان به افزایش مشارکت کمک می‌کند که نیاز فعلی کشور جهت ایجاد قدرت، امنیت به منظور کمک در رفع معضلات کشور در تغییر مورد نظر ایشان می‌شود. امیدوارم ایشان که کاندیدای تغییر شرایط کنونی است، پیروز انتخابات شود و کشور را از مهلکه فعلی نجات دهد.



علی شکوری‌راد: بالاخره حادثه سقوط بالگرد آقای رئیسی و همراهان او موجب شد یک موج احساسی در کشور به وجود بیاید که در بین هواداران جریان اصولگرایی بود و فکر می‌کردند می‌توانند این موج احساسی را به انتخابات نیز تسری دهند و از آن بهره‌برداری کنند. اما به نظر می‌رسد آن موج احساسی خیلی زود فروکش کرد و واقعیت‌ها خود را بیش از هیجانان احساسی که در این مدت بر فضا حاکم شده بود، دارد بر مردم آشکار می‌شود. این مسئله موجب شده است که دیگر کسی درصدد توجیه عملکرد دولت سابق بر نیاید و خودشان را به دولت سابق که کارنامه قابل قبولی برای مردم ندارد، پیوند ندهند. دولت سیزدهم نتواند کارنامه قابل قبول ندارد، بلکه بسیاری از نارضایتی‌های موجود جامعه ناشی از عملکرد این دولت است که کاملاً یک دولت ناموفق بوده اما به دلیل حادثه سقوط بالگرد، مدتی بر آن واقعیت سرپوش گذاشتند اما دوباره فضا به گونه‌ای شد که واقعیت دارد خود را دوباره نشان می‌دهد. آراء کسانی که به اصولگراها رای می‌دهند با توجه به اینکه قبلاً هم در انتخابات شرکت می‌کردند و حال‌نیز در انتخابات شرکت می‌کنند تقریباً مشخص است، اما آنچه که نتیجه انتخابات را رقم می‌زند، به دلیل وجود یک کاندیدای متفاوت است که می‌تواند میزان مشارکت را بالا ببرد. هر چقدر میزان مشارکت مردم در انتخابات بالاتر برود در حقیقت شرایط به نفع دکتر پزشکیان دارد بالا می‌رود. حاکمیت خواهان افزایش مشارکت است، ولی چندان پذیرای نتیجه آن نیست. اما آنچه که در حال رخ دادن است، این است که دکتر پزشکیان به‌عنوان یک کاندیدای متفاوت در حال بالابردن انگیزه مشارکت در مردم است و اگر همین روندی که در چند روز گذشته آغاز شده است، تا چند روز آینده ادامه پیدا کند (که احتمال آن کم هم نیست)، نتیجه انتخابات می‌تواند به نوعی رقم بخورد که تغییر مهمی را در عرصه دولت شاهد باشیم.



جواد هروی: مردم با روند صعودی قیمت‌ها و بی‌ثباتی‌هایی که در مناسبات خارجی وجود دارد شاهد و ناظر یک جریان واقعی هستند. همه اینها در مظان ششاهدات مردم قرار گرفته



صاف نوروزی: باید به شرایط کنونی و عملکرد دولت گذشته نقد صورت بگیرد. چرا که روند در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روبه بهبود نبوده است و نمتنها به کاهش مشکلات نینجامیده بلکه مشکلات تشدید هم شده: آمار، ارقام و شاخص‌ها حاکی از این امر است، اما کاندیدای دیگر ریاست جمهوری به دلیل دیدگاه‌ها و ملاحظاتی که دارند، عمدتاً به نقد شرایط کنونی نمی‌پردازند و معتقد نیستند که روند سه سال گذشته به بهبود نینجامیده است. آقای پزشکیان که به روند کنونی انتقادات اساسی دارد وضعیت را برای مردم توضیح می‌دهد، در غیر این صورت مردم می‌گویند: «فرقی نمی‌کند که ما رای بدهیم یا نه.» و طبیعتاً مشارکت افزایش نمی‌یابد.

علی شکوری‌راد: انتخابات ریاست جمهوری جز با نقد وضعیت موجود نمی‌تواند برای مردم شفاف شود. بالاخره چه کسانی که می‌خواهند از وضعیت موجود دفاع کنند و چه کسانی که می‌خواهند آن را نقد کنند، باید این کار را در انتخابات انجام دهند چرا که در انتخاب مردم مؤثر است و اگر این کار صورت نگیرد، عملاً انتخابات از قیامی خود خالی می‌شود.

جواد هروی: بله باید صورت بگیرد. موقعی که ما نارسایی‌های جامعه را بخواهیم پنهان کنیم و نخواهیم با واقعیت‌های شفاف جامعه روبه‌رو شویم؛ به‌عنوان بالاترین مقام اجرایی کشور در آینده هم دچار نابسامانی و عدم شناخت دقیق مشکلات و معضلات روبه‌رو خواهیم شد. آن چیزی که امروز در وضعیت خطیر کشور وجود دارد، در واقع حرکت شکل‌ناکارآمدی سیستم‌های اجرایی به سمت کارآمدی است. در مقام نقد می‌توان چنین فضایی را بیان کرد. اگر قرار بر این است که وضعیت آشفته اجتماعی و اقتصادی جامعه و به‌هم‌ریختگی مناسبات خارجی را بخواهیم گل و بلبل تصویر کنیم و بر همین اساس بخواهیم آن روند انجام‌شده را تقویت کنیم، عملاً فکر می‌کنم که نسبت به جامعه نمتنها خدمت نکرديم، بلکه ممکن است در شکل دیگری عمل کنیم. حکمرانی مطلوب همواره به ما می‌گوید که باید وضعیت نامطلوبی که نتیجه حکمرانی نامطلوب بوده (برای مردم بیان کردولی اینکه بخواهیم این رامخفی کرده و آن چیزی که واقع شده را به گونه‌ای دیگر جلوه بدهیم، باعث

است، لذا کاندیدایا اگر بخواهند به اینها ورود پیدا کنند به ناچار باید در نگاه تفاده‌ای قرار بگیرند و چون نمی‌خواهند عملکرد دولت سیزدهم را در مظان نقد قرار دهند، به این جهت از ورود به این موضوع استنکاف می‌کنند و به عبارتی اصلاً این موضوع را نادیده می‌گیرند. در حالی که این مباحث مقابل چشم مردم قرار دارد و عملاً با این موضوع‌ها زندگی می‌کنند. اگر قرار به این است که حیات اجتماعی و اقتصادی مردم نادیده انگاشته شود، مشخص است که کاندیداها با کف جامعه و حیات اجتماعی بیگانه هستند، وگرنه نمی‌شود به این راحتی افرادی که قرار است تصمیم‌گیران اجرایی آینده این کشور باشند شرایط فعلی و موجود را با اغماض بنگرند و نادیده بگیرند و این اصلاً منطقی نیست. ولیکن این خودش یک سیاست‌انگاری و یا سیاست‌نگاری در منظر آقایان است که دیده می‌شود. این کاری که پنج کاندیدای اصول‌گرا انجام می‌دهند، حرکت مناسبی نیست. ای کاش کاندیداها با نقد فضای موجود، آرمان‌گرایی خودشان را کنار می‌گذاشتند و شفاف به مردم اعلام می‌کردند که می‌خواهند چه کار کنند. برای مثال در بحث بنزین، بالاخره قرار است تغییر انجام شود یا نشود؟ آیا دولت سیزدهم قرار بود این کار را انجام دهد؟ این شفاف سخن گفتن مردم را هم از نگرانی خارج می‌کند در حالی که کاندیداها می‌خواهند صرفاً در این موضوع نینفتادند و بیا به علتی که خودشان می‌دانند، نخواستند

حمیدرضا ترقی: مردم الان از شیوه‌های گذشته خیلی خوششان نمی‌آید، اینکه کسی از طریق تخریب دولت قبلی به دنبال کسب آرا باشد و خود را مطرح کند. مردم به دنبال این هستند که کسی که روی کار می‌آید کارهای خوب این دولت را دنبال کند و نواقص را نیز برطرف کند. همه به دنبال این هستند که ببینند چه کسی می‌تواند نقاط مثبت دولت را تقویت کند و آنها را دنبال کند و نقاط ضعف را نیز جبران کند، آنها را بهبود بخشد و در نهایت تقویت کند. این چیزی است که قبلاً مقام معظم رهبری نیز همین توصیه را کردند و به همه نامزدها گفتند که شما به جای اینکه از راه تخریب دولت قبلی به رای برسید، از طریق تقویت نقاط قوت و نحوه برطرف کردن نقاط ضعف، از مردم رای جمع کنید. به نظر می‌رسد که الان به این باور رسیده‌اند که به کسی رای دهند که در همین راستا نیز حرکت کند.



حسن بیادی: با توجه به حادثه تلخ سقوط بالگرد شهدای خدمت و شهادت تعدادی از خدمتگزاران مردم از جمله شهید رئیسی و ایجاد یک همدلی در بین مردم و با توجه به مطالبی که در پاسخ به سوال قبل بیان داشتیم، این فضای می‌تواند امیدواری جامعه را بیشتر کند و البته باید توجه داشت که کارها باید بدون تنش و سیاست جلورود تا شاهد حضور گسترده‌تر مردم در عرصه انتخابات باشیم.



خواهد شد از همان ابتدای کار، این عزیزانی که می‌خواهند رئیس دولت شوند، از همان ابتدا با مردم شفاف بر خورد نکنند. مقام معظم رهبری فرمودند به سمت فردی بروید که نماد شعارهای انقلاب باشد و بتواند با صداقت برخورد کند. اینکه ما بخواهیم از مردم چیزی را مخفی کنیم و یا مشکلات مردم را چیز دیگری ببینیم، با فرمایش ایشان تعارض دارد. بالاترین مقام اجرایی کشور باید فردی باشد که به سراغ مشکلات آزاردهنده مردم برود. اگر قرار بر این باشد که مشکلات را در فرآیند ایده‌آل یا تئویایی ببینند و از مسائل کف خیابان چشم‌پنندند، باید چهارسال آینده را دوره غم‌باری در نظر گرفت و هیچ امیدی بر اینکه روزنه‌ای در گشایش مشکلات و رفع معضلات اقتصادی و سیاسی به وجود بیاید، در این صورت نیست. به همین علت من اعتقاد دارم، در انتخابات این دوره ما نیاز به انسان‌های هوشمند جامع‌الاطراف داریم که بتوانند هم خوب ببینند و هم خوب در مان‌کنند و اینکه بتوانند آفت‌های موجود در نظام حکمرانی را تشخیص داده و خوب مداوا کنند. اما اگر کسی نتواند تشخیص درستی داشته باشد، مطمئناً جراحی‌ای که انجام خواهد داد هم نتیجه‌بخش نخواهد بود.

حمیدرضا ترقی: فکر نمی‌کنم اصلاً نیازی به این مسئله باشد. اولاً فضای جامعه هنوز درگیر است تا چه‌لم شهید رئیسی و فضا یک فضای تعلق خاطر نسبت به ایشان است و در این فضا هر کس که خود بخواهد دنبال تخریب و نقد غیرمنصفانه و ایراد گرفتن به دولت قبلی باشد، خودش را بیشتر خراب کرده است. مردم هیچ‌وقت اینجور حرف‌ها را در چنین فضایی نمی‌شنوند. بنابراین کسی که بخواهد به دنبال اینجور مسائل باشد فکر می‌کنم خودش را ضایع کرده است، مگر اینکه منصفانه بگوید که نقاط قوت این دولت این موارد بوده است و نقاط ضعف نیز این موارد است که باید برطرف شود. در غیر این صورت پذیرش نقد صفر از سوی مردم در این فضا اصلاً فکر نمی‌کنم وجود داشته باشد.



حسن بیادی: اگر نقد منصفانه مطرح نشود هیچ ایرادی ندارد و این موضوع نیز باید سرلوحه همه دست‌اندرکاران باشد که باید ظرفیت و آستانه تحمل خود را در برابر نقدهای منطقی و دلسوزانه بالا ببریم چرا که منجر به ارتقا و پیشرفت خودمان خواهد شد.



می‌خواهیم همان راه را ادامه دهیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد که وضع شفاف است. سولالاتی که در صداوسیما مطرح شده و مورد پرسش قرار گرفته است، سولالاتی بوده که بینش خود فرد را مشخص می‌کند، برای نمونه اینکه آیا اصلاً توانمندی سمت ریاست جمهوری و پذیرش این مسئولیت را دارد یا خیر. این کاندیداها چه سوابقی دارند، مگر برون تجربه و با احساسات می‌شود حکمرانی نمود؟ چون براساس برداشتی که از روایات، احادیث و آیات نورانی قرآن نقل شده است، می‌توان چنین برداشت نمود که فرقی نمی‌کند بر سر یک کار یک خائن باشد یا یک بی‌تجربه و شایسته مهم است که افراد دارای سواد و علم و تجربه در منصب اجرایی باشند.



برنامه «با مردم» شبکه یک را به مدح رئیسی پرداخت. او که بیشتر در سال ۱۴۰۰ رقیب رئیسی در انتخابات بود، گفت: «با رئیس جمهور عزیزمان به‌واسطه عملکرد خوب و مردمی‌ای که داشت کارهای بسیار خوبی آغاز شده است که برخی از آن به نتیجه رسیده بود و برخی در شرف انجام بود. این سید عزیز دیروز برادر بزرگ انقلابی ما بود. اما امروز بنده به‌عنوان یک الگو و اسوه سخت‌کوشی صداقت و در عرصه دولتمردی می‌شناسم. اکنون خود را عهده‌دار ادامه مسیر این شهید عزیز می‌دانم. دولت آیت‌الله رئیسی کارهای نیمه‌تمامی داشت، از مان‌ها و رویاهایی داشت که مسیر و رویکردها را تغییر داده بود. ۵ سال دیگر برای اتمام امور فرصت داشت و لازم بود به سرانجام برسد.» در میانه این سخنان البته دو کاندیدای دیگر یعنی پزشکیان و پورمحمدی هم تا حد امکان از اظهار نظر با جزئیات نسبت به دولت رئیسی اجتناب کردند و با کالی گویی در این زمینه از آن عبور کردند. حال این موضوع را عباس عبدی نیز، در حساب کاربری‌اش در شبکه اجتماعی ایکس اینگونه مطرح کرد که «چرا نامزدها از نقد دولت کنونی ریهی می‌کنند؟ در حالی که همه می‌دانند اگر شور و شوق مشارکت انتخاباتی هم ایجاد شده برای خلاص شدن از این وضع ناهنجار است. این منع را نادیده بگیرید. برای احترام به این خواست مردم شجاعانه و صریح وعده‌های تحقق‌نیافته و خیالی آنان را آشکار کنید.» بر همین اساس به سراغ چند چهره سیاسی رقیتم و در این زمینه با آنها به‌گفت‌وگو پرداختیم که در ادامه می‌آید. صادق نوروزی (دبیرکل حزب توسعه ملی ایران)، علی شکوری‌راد (عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت)، جواد هروی (عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه)، حمیدرضا ترقی (عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه) و حسن بیادی (عضو شورای مرکزی حزب جمعیت آبادگران) به‌سه‌سوال هم‌میهن پاسخ دادند.

می‌خواهیم همان راه را ادامه دهیم؛ بنابراین به نظر می‌رسد که وضع شفاف است. سولالاتی که در صداوسیما مطرح شده و مورد پرسش قرار گرفته است، سولالاتی بوده که بینش خود فرد را مشخص می‌کند، برای نمونه اینکه آیا اصلاً توانمندی سمت ریاست جمهوری و پذیرش این مسئولیت را دارد یا خیر. این کاندیداها چه سوابقی دارند، مگر برون تجربه و با احساسات می‌شود حکمرانی نمود؟ چون براساس برداشتی که از روایات، احادیث و آیات نورانی قرآن نقل شده است، می‌توان چنین برداشت نمود که فرقی نمی‌کند بر سر یک کار یک خائن باشد یا یک بی‌تجربه و شایسته مهم است که افراد دارای سواد و علم و تجربه در منصب اجرایی باشند.



حسن بیادی: چنانچه کاندیدایی دلسوز و عاقل و دارای تعارض منافع نباشد حتماً او شویار و حافظ منافع ملی است لذا باید ادامه‌دهنده دولت قبل باشد. اگر نواقصی بوده مطرح نماید و چنانچه نقاط قوتی از دولت قبل وجود دارد نیز آنها را با قدرت حفظ و آن حرکت قوت‌دار را در دولت احتمالی خود ادامه دهد. مگر بدون تجربه و با احساسات می‌شود حکمرانی نمود؟ چون براساس برداشتی که از روایات، احادیث و آیات نورانی قرآن نقل شده است، می‌توان چنین برداشت نمود که فرقی نمی‌کند بر سر یک کار یک خائن باشد یا یک بی‌تجربه و شایسته مهم است که افراد دارای سواد و علم و تجربه در منصب اجرایی باشند.

روی خط انتخابات



بن‌بست پیش روی پزشکیان

حشمت‌الله فلاحت‌پیشه، استاد علوم سیاسی و نماینده ادوار مجلس گفت: «امروز دخالت در امور شخصی مردم بررنگ‌ترین بن‌بست پیش‌روی آقای پزشکیان است.» او به جماران تاکید کرد: «اتفاقی که امروز افتاده این است که من تحت عنوان «چهار یک‌یک» از آن یاد کردم، یعنی چهار کاندیدا هستند که مسئول وضع موجودند؛ چه در مجلس و چه در دولت. سه سال به سختی از وعده‌های انتخاباتی می‌گذرد که بخشی از این کاندیداها و همه آنها در دولت مرحوم رئیسی شکل گرفت و مجلسی در ریل‌گذاری قانونی لازم برای اهداف دولت را پیش گرفته است. لذا چهار کاندیدا واقعاً مسئول وضع موجودند و فارغ از اینکه با هم اختلافاتی دارند یا ممکن است در آینده برای جمع کردن آرا خاکستری اختلافات تازه‌ای را شکل بدهند. کاندیدای دیگر آقای پورمحمدی است که می‌توان گفت یکی از آخرین بازمانده‌های اصول‌گرایان سنتی است که عملاً تشکیلاتی ندارند، ولی عمدتاً منتقد آن چیزی هستند که تحت عنوان «نواصول‌گرایی» در جامعه شکل گرفته و خیلی از موارد هم با اصول‌گرایی عتیق متفاوت بود. موضوع آخر به آقای پزشکیان ربط پیدا می‌کند. من معتقدم اگر آقای پزشکیان بتواند دو کار را در حوزه نقد و اثبات انجام بدهد، می‌تواند یک جریان جدی انتخاباتی راه بیاندازد. به‌عنوان منتقد وضع موجود، نه نقدهای کلی، بلکه نقدهای مبتنی بر عدد و رقم را ارائه بدهد. در این دولت و مجلسی که الان ۴ نفر حافظان وضع موجود هستند، بیش از ۱ تریلیون و ۲۰۰ هزار میلیارد تومان مالیات از مردم گرفته شد. باید مشخص شود که چقدر از این پول خرج مردم شد و چقدرش هزینه‌هایی شد که ربطی به منافع ملی ندارد. یعنی علاوه بر پول نفت، این مالیات چه فشارهایی به مردم آورد، یا در ده‌ها مورد دیگر، گران‌سازی‌هایی که صورت گرفت.» او با اشاره به اینکه اما توقف یک کاندیدا در موضع نقد هم به ضرر آن است، افزود: «اینکه در حوزه اثبات چه کار بتواند بکند باید یک طرح عملیاتی داشته باشد که در حوزه عملیاتی در چند مسئله اساسی کشور مثل بن‌بست‌های سیاست خارجی، فضای تنگ و سلیقه‌ای سیاست داخلی و دخالت در زندگی و آزادی مردم و ملموس‌تر از همه چیز برای مشکلات اقتصادی هر کسی باید برای این مسائل طرح داشته باشد. اگر آقای پزشکیان بتواند چنین طرحی ارائه بدهد می‌تواند رقیب جدی برای چهار نفر حافظ وضع موجود بشود.»

ادامه سر مقاله

در حالی که این انتخابات به شرطی معنادار می‌شود که نامزدها به‌ویژه ایشان رویکردهای خود را از خلال مقایسه و نقد سیاست‌های جاری دولت آقای رئیسی عرضه کنند. نباید پذیرفت که این دولت ناتوان و اعضای آن تحت پوشش این حادثه، از نقد و ارزیابی خود را مصون دارند. ذهن اغلب افراد جامعه چندان انتزاعی نیست که آماده شنیدن حرف‌های نظری و علمی محض باشد. آنان از طریق مثال و به‌ویژه تطبیق با مقایسه با دولت و عملکرد گذشته، ایده‌ها را درک می‌کنند. امروز این سوال به‌درستی مطرح است که با آمدن رئیس جمهور جدید چه تفاوتی حاصل خواهد شد؟ اگر این پرسش را بخواهیم پاسخ دهیم؛ ناچار باید برنامه‌ها و ایده‌های خود را با دولت قبل مقایسه کنیم که طبعاً منجر به نقد آن نیز می‌شود. البته، ما مطلقاً موافق نیستیم که بدون پروا و مثل اصولگرایان حاکم، علیه قبلی‌ها لجن‌پراکنی کنیم و هر اطلاعات درست و غلطی را به هم ببافیم و نتایج نادرست بگیریم. ولی حق داریم که بدانیم وعده‌های آن دولت چه بود و کدام‌ها محقق شد و اگر نشد چرا و چه کسی پاسخگوست و فرق ما با دولت قبل در چیست؟ ما قضا لیست کردن همه وعده‌های آن دولت را نداریم؛ ولی اجمالاً باید به اهم وعده‌های داده‌شده درباره مبارزه با فساد، تکررقمی شدن تورم، ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی و ایجاد یک میلیون شغل، بهبود سرعت اینترنت، گشت ارشاد مدیران، به‌کارگیری نیروهای شایسته، کاهش فقر و... رسیدگی کرد و نشان داد که چرا و چگونه این وعده‌ها فقط وعده بوده و نه تعهد حرفه‌ای.